



The Duty of the Muhrim During Travel in Windy Conditions

Mahdi Sajedi¹

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Islamic Law, University of Judicial Sciences and Administrative

Services, Tehran, Iran. Email: mehdisajedi85@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 28 August 2025

Revised: 30 September 2025

Accepted: 19 November 2025

Available online 20 November 2025

Keywords:

sheltering from the sun and from rain, storm, the prohibitions of ihram (Arabic: احرام), travel, place of residence.



ABSTRACT

One of the prohibitions of ihram (Arabic: احرام) is istidhlāl (Arabic: استظل) - seeking or remaining in shade while traveling. Among Imāmiyya (Arabic: اماميه) Shiite jurists there is disagreement regarding the ruling (hukm) on istiḏlāl, but the majority hold it to be prohibited. Among those who prohibit it, many believe the prohibition istiḏlāl is specific to sheltering from the sun and from rain; but some other jurists have opined maintain that a Muhrim (arabic: محرم) must not shelter himself from any atmospheric phenomenon, whether sunlight, rainfall, storm, heat, or cold. Proponents of these jurists for proving their claim have cited to lexicologists' opinions and removing (cancellation) the particularity (specify) from the two instances mentioned in the Islamic narrations. However, contemplation in the words of the lexicologists shows that agreement with this theory is impossible, and the arguments offered by them are unable to prove the possibility of removing particularity (specificity). Therefore, it seems that the well-known view - which confines istiḏlāl to sunshine and rainfall - is the more reliable.

Cite this article: Sajedi, M. (2024). The Duty of the Muhrim During Travel in Windy Conditions. *Jurisprudence of worship Doctrines*, 5(9), 81-97. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7393.1237>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



وظیفهٔ مُحرم در زمان سیر هنگام ورزش باد

مهدی ساجدی^۱

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه حقوق اسلامی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.
رایانامه: mehdisajedi85@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

یکی از تروک احرام، استظلال یا قرار گرفتن در سایه هنگام حرکت است. در ارتباط با حکم استظلال در بین فقیهان امامیه اختلاف نظر است، اما مشهور فقها قائل به حرمتند. در بین قائلین به حرمت، بسیاری معتقدند حرمت استظلال به تحفظ از آفتاب و باران اختصاص دارد، اما برخی نیز معتقد شده‌اند محرم نباید از هیچ پدیدهٔ جوی اعم از تابش آفتاب یا بارش باران یا طوفان و گرما و سرما خود را بپوشاند. این دسته از فقها برای اثبات مدعای خود به رأی علمای لغت و الغای خصوصیت از دو مصداق بیان شده در روایات استناد کرده‌اند، اما تأمل در کلمات لغویون حاکی از عدم امکان موافقت با این نظریه است و نیز استدلال‌های بیان شده از جانب آنان قادر به اثبات امکان الغای خصوصیت نیست. از این رو به نظر می‌رسد قول مشهور که استظلال را به تابش آفتاب و بارش باران اختصاص داده‌اند قابل اتکا باشد.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸

تاریخ انتشار برخط:

۱۴۰۴/۰۸/۲۹

کلیدواژه‌ها:

استظلال، ورزش باد شدید،
محرمات احرام، سیر،
منزل.



استناد: ساجدی، مهدی. (۱۴۰۳). وظیفهٔ مُحرم در زمان سیر هنگام ورزش باد. آموزه‌های فقه‌عبادی، ۵(۹)، ۸۱-۹۷.
<https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7393.1237>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

مکلف با شروع اعمال حج و قرار گرفتن در احرام، از انجام برخی امور باید پرهیز نماید. این امور که تروک احرام یا محرمات احرام نامیده می‌شود در برخی موارد میان مردان و زنان حج‌گزار مشترک است، اما پرهیز از برخی از محرمات احرام مختص مردان حج و عمره‌گزار است. یکی از این محرمات که به مردان اختصاص دارد، پرهیز از استظلال یا قرار گرفتن در سایه هنگام حرکت است. بر اساس روایات فراوانی که در این باره از اهل بیت علیهم السلام رسیده مردان حج‌گزار نباید در هنگام سیر روزانه از سایه بهره‌برند. همچنین مطابق با برخی از روایات، چنانچه هنگام حرکت مردان مُحرم، خواه در شب یا روز، بارندگی اتفاق افتد اگر بخواهند همچنان به حرکت خود در زمان بارش باران ادامه دهند نباید از پوشش بالای سر که مانع بارش است استفاده کنند، مگر اینکه در این هنگام دست از حرکت کشیده و تا توقف بارش باران از حرکت کردن و طی مسیر خودداری نمایند. برخی از فقیهان امامیه بر این اساس معتقد شده‌اند که پرهیز از پوشش بالای سر هنگام حرکت مردان مُحرم به زمان تابش آفتاب یا بارش باران اختصاص ندارد و چنانچه هوا نامساعد بوده و وزش باد نیز شدید باشد مردان مُحرم نباید خود را از وزش باد شدید در هنگام حرکت در حفاظ و پوشش قرار داده و زیر سقف باشند. برخی دیگر حتی معتقد شده‌اند مُحرم باید از وزش بادی که در اثر حرکت وسیله نقلیه تولید می‌شود پرهیز نماید. در مورد پیشینهٔ تحقیق نیز لازم به ذکر است مقاله‌ای در این خصوص یافت نشد. با توجه به آنچه بیان شد لازم است با تتبع در کلمات فقها به نقد و بررسی این نظر و مستندات آن پردازیم و قبل از آن مناسب است اقوال فقها در باب استظلال را مورد واکاوی قرار دهیم.

۱. اقوال فقها

در ارتباط با حکم استفادهٔ مرد مُحرم از سایه، دو نظریه به منصفه ظهور رسیده است:

الف. نظریهٔ مشهور فقیهان امامیه که معتقدند برای مرد مُحرم در حال سیر قرار دادن سایه بر خود جز در ضرورت جایز نیست، اما می‌تواند از سایهٔ خیمه،

ساختمان، دیوار و مانند آن بهره برد. (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۲)؛ (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ص ۵۴۷)؛ (شهید اول، ۱۴۱۷، ص ۳۷۸)؛ (اردبیلی، ۱۴۰۳، ص ۳۲۱)؛ (موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ص ۳۶۳ و ۳۶۴)؛ (فاضل‌هندی، ۱۴۱۶، ص ۳۹۷)؛ (بحرانی، ۱۴۰۵، ص ۴۷۰)؛ (طباطبایی، ۱۴۱۸، ص ۳۰۳)؛ (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۳، ص ۱۵۵)؛ (یزدی، ۱۴۲۸، ص ۴۲۰)؛ (خمینی، بی‌تا، ص ۴۲۷)؛ (صافی، ۱۴۲۳، ص ۲۸۳). این حکم همان‌گونه که بیان شد در بین فقهای امامیه مشهور بوده و حتی برخی در مورد آن ادعای اجماع نموده‌اند. (علامه حلی، ۱۴۱۲، ص ۷۸)؛ (نراقی، ۱۴۱۵، ص ۲۵) نظر فقیهان معاصر نیز بر عدم جواز استظلال نسبت به مُحرم استواری یافته است. (مظاهری، ۱۳۹۷، ص ۱۸۴)

از بین کسانی که قائل به این نظریه هستند معدود فقیهانی را می‌توان در عصر حاضر یافت که معتقدند عدم جواز استظلال در زمان سیر به تابش آفتاب اختصاص ندارد و در شب هنگام یا در زمان وزش باد شدید نیز نباید مکلف در زیر سقف و سایبان باشد. (خوئی، ۱۴۱۱، ص ۱۱۷) و (خوئی، ۱۴۱۰، ص ۲۴۱)؛ (تبریزی، ۱۴۱۵، ص ۱۱۵) و (تبریزی، ۱۴۲۳، ص ۳۳۱)؛ (سبحانی، ۱۴۲۸، ص ۶۶)؛ (طباطبایی قمی، ۱۴۲۵، ص ۳۸)؛ (فیاض، بی‌تا، ص ۲۶۱)

ب. نظریه برخی از فقها که معتقدند استفاده مرد مُحرم از سایه، در حال حرکت مکروه است. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ص ۸۴؛ نقل کراهت از ابن‌جنید؛ مدنی کاشانی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۶۲؛ از عبارات صاحب ذخیره نیز تمایل ایشان به جواز استفاده می‌شود.^۱ ر.ک. به محقق سبزواری، ۱۲۴۷ ق، ج ۲، ص ۵۹۸)

۲. مستند اقوال

مستند فقیهانی که معتقدند استظلال به تابش آفتاب اختصاص ندارد، روایات ذیل است:

۲-۱. روایت صحیح ابن‌برزیع از امام رضا(ع):

به امام رضا(ع) نامه نوشته و سؤال کردم: آیا مُحرم می‌تواند زیر سایه محمل حرکت کند؟ حضرت نوشتند: «بله» و مردی از ایشان در مورد سایه برای مُحرم به دلیل اذیت

۱. «و يمكن الجمع بين الأخبار بوجهين أحدهما حمل أخبار المنع على الأفضلية و يؤيده أن النهي و ما في معناه غير واضح الدلالة على التحريم في أخبار أهل البيت عليه السلام كما ذكرناه كثيراً...»

باران یا آفتاب سؤال کرد و من می شنیدم، پس حضرت به او امر نمودند گوسفندی را به عنوان کفاره در منا ذبح کند^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۵۱).

۱-۱-۲. بررسی سند

روایت فوق را جناب کلینی از احمد بن ادریس قمی، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از علی بن موسی الکمیدانی، از محمد بن یحیی عطار، از داود بن کوره قمی، و وی از احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، و ایشان از عثمان بن عیسی کلابی نقل نموده است. دو راوی اخیر و نیز جناب احمد بن ادریس، علی بن ابراهیم، محمد بن یحیی و احمد بن محمد بن عیسی، امامی، از بزرگان حدیث و بی نیاز از توثیق هستند (خوئی، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۷ و ج ۱۵، ص ۹۶). در مورد علی بن موسی، توثیقی از علمای رجال نقل نشده؛ ولی به قرینهٔ نقل علی بن ابراهیم بن هاشم از وی و نقل این راوی از محمد بن یحیی عطار می توان به نقل راوی مزبور اعتماد نمود. در مورد داود بن کوره نیز جرح و تعدیلی ثبت نشده است؛ اما از این جهت که جناب احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی که از بزرگان روات و محتاط در نقل حدیث بوده، از وی نقل روایت نموده، می توان به نقل این راوی نیز اعتماد نمود. بر این اساس به نظر می رسد روایت مزبور معتبر و قابل استناد است.

۲-۱-۲. بررسی دلالت

مستفاد از روایت فوق، امور ذیل است:
استفاده از سایهٔ محمل در هنگام راه رفتن و طی طریق غیر از ایجاد سایه در هنگام سیر است و اولی جایز و دومی غیرجایز است.
ایجاد سایه برای مُحرم معذور با پرداخت کفاره جایز است و همین جواز با ادای کفاره، بر حرمت ایجاد سایه برای مُحرم غیرمعذور دلالت دارد.
حرمت استظلال برای مُحرم به ایجاد سایه بر خود برای محفوظ ماندن از تابش آفتاب اختصاص ندارد و شامل ایجاد حفاظ از بارش باران نیز می شود.

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ زَيْعٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ يَجُوزُ لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَمْنِيَ تَحْتَ ظِلِّ الْمَخْمَلِ؟ فَكَتَبَ: «نَعَمْ» قَالَ: وَ سَأَلَهُ رَجُلٌ غِي الطَّلَالِ لِلْمُحْرِمِ مِنْ أَدَى مَطَرٍ أَوْ شَمْسٍ وَأَنَا أَسْمَعُ فَأَمَرَهُ أَنْ يَقْنِي شَاةً وَ يَدْبَحَهَا بِمِئَةٍ.

۲-۲. روایت موثق عثمان بن عیسی کلابی از امام کاظم (ع):

به حضرت عرض کردم علی بن شهاب از سرمای شدیدی که به سرش می‌رسد شکوه دارد و می‌خواهد مُحرم شود. فرمودند: «اگر همان‌گونه که گمان می‌کند باشد باید خود را بپوشاند، اما تو به خاطر کسی که برای او مُحرم شده‌ای خود را در معرض آفتاب قرار بده.»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۵۱۹).

۲-۲-۱. بررسی سند

روایت فوق را جناب شیخ حر عاملی از مرحوم کلینی با سندی که از ایشان در روایت سابق بیان شد، از احمد بن محمد بن عیسی، از عثمان بن عیسی کلابی نقل کرده است. نظر محققان رجالی در مورد مشایخ مرحوم کلینی در بررسی سند حدیث قبل بیان شد. تنها راوی مورد بحث در این روایت، جناب عثمان بن عیسی است که مطابق با نظر علمای رجال، وی از سران واقفیه بوده است. البته پس از مدتی توبه نموده و از عقیده خود برمی‌گردد (خوئی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۱۸ و نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۰۰). علامه حلی (ره) در کتاب رجال خود از شیخ طوسی چنین نقل نموده که نظر ایشان در مورد این راوی، توقف در نقل احادیثی است که فقط از وی نقل شده است (حلی، بی‌تا، ص ۳۴۴). بر این اساس روایات مورد نقل از وی در زمره روایات موثق قرار می‌گیرد و در مجموع به نظر می‌رسد روایت مورد گفتگو از نظر سندی معتبر محسوب می‌شود.

۲-۲-۲. بررسی دلالت

به نظر می‌رسد در صورتی این روایت می‌تواند بر حکم مُحرم در استفاده از سایه دلالت داشته باشد که بر پوشاندن سر نیز استظلال صدق کند یا مقصود راوی این بوده باشد که علی بن شهاب از امام (ع) درخواست داشته به جهت معذور بودن، در هنگام سیر از پوشش بالای سر در محمل و مانند آن استفاده کند تا سرش از اذیت سرما محفوظ بماند؛ و الا این روایت تخصصاً از محل بحث خارج است.

۱. وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى الْكَلَابِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ شِهَابٍ - يَشْكُو رَأْسَهُ وَ الْبَرْدَ شَدِيداً وَ يَرِيدُ أَنْ يَحْرِمَ؛ فَقَالَ: «إِنْ كَانَ كَمَا زَعَمَ فَلْيُظِلَّلْ وَ أَمَا أَنْتَ فَاطْحٌ لِمَنْ أُحْرِمْتَ لَهُ.»

۲-۳. روایت حمیری از حضرت حجت (عج)

از حضرت صاحب‌الزمان (عج) درباره مُحرمی سؤال نمود که از باران با قرار گرفتن زیر قالیچه و مانند آن خود را محفوظ بدارد تا لباس هایش و آنچه در محمل دارد خیس نشود، آیا چنین کاری جایز است؟ حضرت در جواب فرمودند: «اگر در زمانی که در محمل و در مسیر حرکت است چنین کند بر عهده‌اش قربانی قرار می‌گیرد.»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۵۲۵).

۲-۳-۱. بررسی سند

روایت فوق را جناب شیخ حر عاملی از جناب طبرسی در احتجاج و ایشان از جناب حمیری نقل نموده است. گرچه جناب طبرسی و حمیری از بزرگان امامیه و مورد وثوق هستند، اما روایت با این وجود، به دلیل مرفوعه بودن، از جمله روایات ضعیف به شمار می‌آید.

۲-۳-۲. بررسی دلالت

روایت فوق همانند روایت اول بر حرمت استظلال مُحرم هنگام سیر و در زمان بارش باران دلالت دارد؛ و از فقره اخیر روایت که بر وجوب قربانی در فرض استظلال در زمان بارش باران دلالت دارد، حرمت استظلال مزبور فهمیده می‌شود؛ زیرا چنان‌که گذشت، وجوب كفاره دال بر حرمت عمل مستلزم ادای كفاره است. البته ممکن است از روایت چنین استفاده شود که مقصود راوی، سؤال از حکم استظلال هنگام بارش باران بوده است؛ یعنی از آنجاکه هوا ابری بوده و تابش آفتاب وجود ندارد، تصور کرده که نباید استفاده از سایه بان خصوصاً زمان بارش باران اشکالی داشته باشد و باران در این سؤال خصوصیت ندارد.

۲-۴. روایت صحیح علی بن محمد قاسانی از امام هادی (ع)

به حضرت نوشتم: آیا مُحرم می‌تواند زمانی که خورشید و باران او را آزرده می‌سازد یا در هنگام مریضی بر خودش سایه قرار دهد یا نه؟ اگر سایه قرار دهد آیا بر او كفاره

۱. أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الطَّبْرَسِيُّ فِي الْإِخْتِجَاجِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْجُمَيْرِيِّ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَسْتَظِلُّ مِنَ الْمَطَرِ يَنْطَعِ أَوْ غَيْرَهُ خَذَرًا عَلَى ثِيَابِهِ وَمَا فِي مَخْمَلِهِ أَنْ يَبْتَلَّ فَهَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ؟ الْجَوَابُ: إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فِي الْمَخْمَلِ فِي طَرِيقِهِ فَعَلَيْهِ دَمٌ.

واجب می‌شود یا نه؟ حضرت نوشتند: «بر خودش سایه قرار دهد و خونی به عنوان کفاره بریزد اگر خدا خواهد.»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۱۵۴).

۲-۴-۱. بررسی سند

روایت فوق را جناب شیخ حر عاملی از فقیه بزرگوار جناب شیخ طوسی و ایشان از استادش شیخ ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان و حسین بن عبیدالله و احمد بن عبدون از احمد بن محمد بن الحسن بن الولید از پدرش و ابوالحسن بن ابی جید از محمد بن الحسن بن الولید از محمد بن حسن بن فروخ صفار و ایشان از علی بن محمد قاسانی نقل نموده است. شیخ طوسی و استاد ایشان جناب شیخ مفید از اجلای فقیهان امامیه هستند. جناب احمد بن محمد بن الحسن بن الولید نیز امامی و ثقه است. محمد بن الحسن بن الولید نیز از بزرگان حدیث بوده و شیخ قمین نام گرفته است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۸۳). جناب صفار نیز از راویان مورد وثوق و عظیم‌القدر است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۴). البته در مورد راوی اخیر یعنی قاسانی، گرچه برخی از رجالین مانند شیخ طوسی گاهی ایشان را ثقه و گاهی ضعیف دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۸۸) ولی به نظر می‌رسد نتوان در ثقه بودن این راوی تردید نمود و ظاهراً تردید در وثاقتش از این ناشی شده که جناب احمد بن محمد بن عیسی قمی اشعری وی را فردی کم‌علم و ضعیف‌الحديث دانسته است (خوئی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۴۹). و همان‌گونه که پیداست این صفات بر فرض صحت بر وثاقت راوی تأثیری ندارد. علاوه بر این به تصریح علمای رجال، در کتب ایشان چیزی که دال بر این مطلب باشد دیده نمی‌شود (علامه حلی، بی‌تا، ص ۲۳۲) و جناب نجاشی نیز ایشان را فقیه‌ای که روایات فراوانی را نقل کرده دانسته است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۵۵).

۲-۴-۲. بررسی دلالت

از این روایت استفاده می‌شود که مُحرم نباید در حال اختیار خود را از تابش آفتاب و بارش باران در حفاظ قرار دهد و اگر در فرض معذوریت مانند اذیت شدن از آفتاب

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ يَسْتَأْذِنُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ: الْمَحْرُمُ هَلْ يَظَلُّ عَلَى نَفْسِهِ إِذَا أَذَتْهُ الشَّمْسُ أَوْ الْمَطَرُ أَوْ كَانَ مَرِيضاً أَمْ لَا؟ فَإِنْ ظَلَّلَ هَلْ يَجِبُ عَلَيْهِ الْفِدَاءُ أَمْ لَا؟ فَكَتَبَ: «يَظَلُّ عَلَى نَفْسِهِ وَ يَهْرِقُ دَمًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

و باران که عادتاً قابل تحمل نیست چنین کند، از این جهت که مرتکب یکی از محرمات احرام گردیده، باید کفاره دهد.

۲-۵. روایت صحیح محمد بن اسماعیل بن بزيع از امام رضا(ع)

از حضرت در مورد سایه برای محرم جهت حفظ از اذیت بارش باران یا خورشید سؤال کردم فرمودند: «چنین می بینم که گوسفندی را باید به عنوان کفاره بدهد و آن را در منا قربانی نماید.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۱۵۴)

۲-۵-۱. بررسی سند

روایت فوق را جناب شیخ حر عاملی از فقیه بزرگوار جناب شیخ طوسی و ایشان از جناب شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، از محمد بن الحسن بن الولید، از محمد بن الحسن صفار، از موسی بن قاسم بجلی، و وی از محمد بن اسماعیل بن بزيع نقل کرده است. اعتبار و وثوق روات حدیث در روایات قبل و اعتبار نقل جناب محمد بن اسماعیل بن بزيع در بررسی روایت اول معلوم گردید. همچنین مطابق با تصریح علمای رجال، موسی بن قاسم بجلی از جملهٔ راویان مورد وثوق است (خوئی، بی تا، ج ۱۹، ص ۷۲). بنابراین روایت از جهت سند معتبر و صحیح است.

۲-۵-۲. بررسی دلالت

این روایت نیز از جهت دلالت مانند روایت قبل است و بر وجوب پرداخت کفاره در فرضی که مُحرم به دلیل عذر، خود را از تابش آفتاب یا بارش باران می پوشاند دلالت دارد. بر این اساس، حرمت استتلال به تابش آفتاب اختصاص ندارد و شامل تستر از باران نیز می شود.

۲-۶. روایت صحیح ابراهیم بن ابی محمود خراسانی از امام رضا(ع)

به حضرت عرض کردم: آیا مُحرم می تواند هنگامی که از خورشید و باران آزاده می شود بر محملش سایه قرار دهد؟ فرمودند: «بله». گفتم: چه مقدار فدیة دهد؟

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ يَشْتَدُّ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الظِّلِّ لِلْمُحْرَمِ مِنْ أَدَى مَطَرٍ أَوْ شَمْسٍ؛ فَقَالَ: «أَزَى أَنْ يَفْدِيَهُ بِشَاةٍ وَ يَذْبَحَهَا بِمِئَةٍ»

فرمودند: «گوسفندی»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۱۵۵).

۲-۶-۱. بررسی سند

روایت فوق را جناب شیخ حر عاملی از فقیه بزرگوار جناب شیخ طوسی و ایشان با سلسله سندی که دارد از احمد بن محمد بن عیسی و ایشان نیز از ابراهیم بن ابی محمود خراسانی نقل کرده است. بر اساس نظر علمای رجال، طریق شیخ طوسی در مشیخه به احمد بن محمد بن عیسی صحیح است (خوئی، بی تا، ج ۳، ص ۸۹). وضعیت جناب احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی نیز از جهت وثاقت معلوم است و راوی اخیر هم مورد توثیق علمای رجال قرار گرفته است (خوئی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۹).

۲-۶-۲. بررسی دلالت

در این روایت هم استتلال در فرض معذوریت همراه با پرداخت کفاره برای معذور جایز دانسته شده و نیز استفاده می شود که استتلال به پوشاندن خود از خورشید اختصاص ندارد و در زمان بارش باران نیز محرم نباید خود را بپوشاند.

۳. بررسی روایات و مستندات فقها

البته همان گونه که بیان شد به نظر می رسد روایت دوم نمی تواند یکی از مستندات در مسئله مورد گفتگو باشد. زیرا مطابق با این روایت، سرمای شدید مجوز استفاده از سایه است، در حالی که در سایه بودن و نبودن، نه تنها تفاوتی در محفوظ ماندن از آسیب سرما ندارد، بلکه محرم را نسبت به سرما آسیب پذیرتر می کند و حتی باید گفت چنین فردی که از سرما متأذی می شود باید خود را در معرض تابش آفتاب و حرارت آن قرار دهد، از این رو به نظر می رسد باید مقصود سائل این باشد که آیا محرمی که از سرما اذیت می شود هم باید سر خود را بپوشاند یا نه که در این فرض، موضوع روایت، سؤال از حکم پوشاندن سر در حال احرام است.

اما آنچه از سایر روایاتی که گذشت استفاده می شود این است که در دو

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِي يَسْتَأْذِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُحْرِمُ يَظَلُّ عَلَى مَخْمَلِهِ وَ يَفْدِي إِذَا كَانَتِ الشَّمْسُ وَ الْمَطَرُ يَضْرِبَانِ بِهِ؟ قَالَ: «نَعَمْ». قُلْتُ: كَيْمَ الْفِدَاءِ؟ قَالَ: «شَاةً».

وضعیت یعنی تابش آفتاب و هنگام بارش باران، مُحرمی که در حال طی طریق است نباید بر خود سایه بان یا هرچیزی که مانع تابش آفتاب یا بارش باران است قرار دهد مگر این که معذور باشد. اما فقیهانی که استظلال را به تابش آفتاب مختص ندانسته اند از این روایات چنین استفاده کرده اند که تابش آفتاب یا بارش باران موضوعیت ندارد و مُحرم باید از استظلال و پوشش سر هنگام سیر و همزمان با وقوع هر پدیدهٔ جوی مانند باران یا وزش باد یا هنگام گرما یا سرما، پرهیز کند (به عنوان نمونه: ر.ک. به تبریزی، ۱۴۱۵، ص ۱۱۵).

در وهلهٔ اول آنچه مورد استناد این دسته از فقیهان جهت اثبات مدعایشان قرار گرفته، تمسک به معنای لغوی «استظلال» است. در همین ارتباط محقق خوئی (ره) فرموده: «تظلیل مورد نهی در روایات به سایه قرار دادن از خورشید اختصاص ندارد و هرگونه حفاظ و تستری که مُحرم برای خود قرار دهد خواه از سرما یا گرما یا باران و یا وزش باد باشد ممنوع است. زیرا از نظر لغوی لفظ «استظلال» از «الظلّة» به معنای چیزی که شخص با آن از گرما و سرما پوشانده شده و محفوظ می ماند گرفته شده است. بنابراین کلمهٔ «استظلال» در مفهومش استتار از هر چیز خواه خورشید باشد یا نه اخذ شده است. کما این که از نظر لغت وقتی گفته می شود: «الشمس مستظلة» بدین معناست که در بین ابرها پنهان است» (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۴۱).

بر این مبنا ایشان در ادامه استدلال خود، ملاک در حرمت تظلیل را پوشش و تحفظ از خورشید و سرما و گرما و باد و امثال آن از اموری دانسته اند که انسان در حال حرکت از آن ها متأذی می شود و فرموده اند: «اگر نادراً فرض شود که قرار دادن سایه بان بالای سر هیچ گونه تأثیری ندارد و مانع از امور فوق نیست و بود و نبودش تفاوتی ندارد، استفاده از آن برای مُحرم اشکالی ندارد، چه این که در این فرض «استظلال» و «استتار» صادق نیست و همان گونه که بیان شد صرف وجود سایه بان بالای سر ممنوع نیست، بلکه آنچه ممنوع است استتار و تحفظ از خورشید و باد شدید و باران است» (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۴۱).

فقیهان دیگری نیز یافت می شوند که بر اساس استناد به معنای لغوی «استظلال» با محقق خوئی هم نظر شده و استظلال را مختص به تابش آفتاب

ندانسته‌اند. ایشان معتقدند برخی از نصوص وارد شده در باب حکم استظلال نیز مؤید این معناست (طباطبایی قمی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۳۸).

برخی از فقیهان معاصر نیز معتقدند نهی از استظلال در صورتی به پوشاندن خود از تابش آفتاب در روز اختصاص می‌یابد که در معرض آفتاب قرار گرفتن را هدف غایی از نهی بدانیم در حالی که مانعی ندارد که ملاک و غایت نهی در روایات، در معرض قرار گرفتن نسبت به حوادث جوی مانند باران، سرما، طوفان و مانند آن باشد و در این صورت می‌توان گفت جامع بین غایات، این است که مُحرم خود را از حوادث جوی در حفاظ قرار نداده و نپوشاند؛ و اگر در برخی روایات تنها سخن از قرار گرفتن در معرض خورشید آمده، از این جهت است که استظلال از تابش آفتاب مورد سؤال بوده است (سبحانی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۲۰).

۴. نقد و بیان قول مختار

کلمات فقها را از کلام محقق خوئی (ره) آغاز می‌کنیم. ایشان به‌طور مسلم و قطعی معنای کلمه «استظلال» را در لغت هرگونه تستّر و پوشاندن دانسته و چنین نتیجه گرفته‌اند که مُحرم نباید از هیچ پدیده جوی خواه تابش آفتاب باشد یا بارش باران یا سرما یا گرما و وزش باد خود را در پوشش قرار دهد.

عقیده ایشان بر این مبنا استواری یافته که واژه «الظل» به معنای مطلق پوشش و تستّر است؛ در حالی که مراجعه به کلام اهل لغت، سخن فوق را یاری نمی‌رساند. به‌عنوان نمونه در کتاب معجم مقاییس اللغة که به ریشه‌یابی کلمات پرداخته، در مورد ماده «ظل» چنین آمده که این ماده یک ریشه بیشتر ندارد و بر پوشش چیزی نسبت به چیز دیگر دلالت دارد.^۱ (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۶۱) مثل سایه درخت که فردی را دربرگیرد. همچنین در لسان العرب در مورد واژه «الظِّلَّة» چنین آمده: چیزی که از بالاتر پوشاند و دربرگیرد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۱۷). بنابراین واژه مزبور به معنای مطلق پوشش و تحفّظ و تستّر نیست و حتی برخی از فقیهان معاصر ادعا کرده‌اند که متبادر از این واژه در قرآن، سیاهی حاصل در جهت مخالف خورشید

۱. الظاء و اللام أصل واحد، يدلُّ على ستر شيء لشيء، وهو الذي يسمَّى الظلّ.

است و گویا لفظ مزبور از معنای مطلق خود به این معنای خاص انتقال یافته است (سبحانی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۱۵). از این رو بر اساس معنایی که اهل لغت برای این ماده و ریشه تعریف کرده‌اند، می‌توان گفت مراد از واژه «استظلال»، طلب استفادهٔ مُحرم از سایه‌ای است که بالای سر قرار دارد تا سایه با افتادن بر مُحرم او را در برگرفته و بپوشاند. بنابراین نمی‌توان از این واژه در مورد تحفظ از باد و سرما و گرما استفاده نمود؛ چه این که باد و گرما و سرما جهت خاصی ندارد و چه بسا پوشش بالای سر تأثیری در محفوظ ماندن از آن نیز نداشته باشد.

علاوه بر این با قطع نظر از اشکال فوق و با فرض پذیرش دلالت واژهٔ مزبور بر مطلق تستر و پوشش، باز هم نمی‌توان با استناد به معنای لغوی این واژه، وجوب هرنوع تستر را برای مُحرم ممنوع و حرام دانست. زیرا چه بسا تستر از آفتاب و باران که در روایات آمده موضوعیت داشته باشند و شارع در این زمینه تعبّد خاصی را از مکلفان خواستار باشد، خصوصاً این که در برخی روایات باب استظلال وارد شده که استفاده از سایهٔ ثابت مانند خیمه و ساختمان برای مُحرم جایز و استفاده از سایهٔ متحرک و سایه بان در حال حرکت حرام است و دلیل بر این مسئله تعبّد صرف به رأی و نظر شارع بیان شده است^۱ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۵۲۲). بنابراین به آسانی نمی‌توان از آفتاب و باران، الغای خصوصیت نمود. به همین دلیل برخی از مراجع معاصر احتمال داده‌اند ایجاد مانع از بارش باران به خودی خود موضوعیت داشته باشد، همان گونه که در روایات زیارت سیدالشهدا (ع) نیز چنین آمده که هرکس در مسیر زیارت بر او باران بیارد از فلان مقدار ثواب بهره‌مند می‌شود و اگر در برخی روایات در قبال حفظ از باران از کلمهٔ «استظلال» استفاده شده، استعمالی مجازی است و آنچه در واقع ممنوع است منع از بارش باران بر خود است (گلباگانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۳۷).

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُضَلِّ قَالَ: كُنَّا فِي دَهْلِيزِ بَيْتِ بْنِ خَالِدٍ بِمَكَّةَ - وَكَانَ هُنَاكَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَبُو يُوْسُفَ - فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو يُوْسُفَ وَتَرَجَّعَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، جُعِلْتُ فِدَاكَ! الْمُحْرِمُ يَظْلِلُ؟ قَالَ: «لَا»؛ قَالَ: فَيَسْتَظِلُّ بِالْجِدَارِ وَ الْمَخِيلِ وَ يَدْخُلُ الْبَيْتَ وَ الْخَبَاءَ؟ قَالَ: «نَعَمْ»؛ قَالَ: فَضَحِكَ أَبُو يُوْسُفَ شَبَّهَ الْمُسْتَهْزِئَ؛ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا أَبَا يُوْسُفَ إِنَّ الدِّينَ لَيْسَ بِقَاسٍ كَقِيَاسِكَ وَ قِيَاسُ أَصْحَابِكَ ... حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَأَحْرَمَ وَ لَمْ يَظْلِلْ وَ دَخَلَ الْبَيْتَ وَ الْخَبَاءَ وَ اسْتَظَّلَ بِالْمَخِيلِ وَ الْجِدَارِ فَعَلْنَا كَمَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَسَكَتَ.

همچنین با فرض پذیرش امکان الغای خصوصیت از آفتاب و باران، چنانچه بخواهیم ملاکی از روایات برداشت کنیم که بر اساس آن بتوان در مصادیق استظلال توسعه داد، باید ملاک در حرمت استظلال را تحفظ از هر پدیده جوی که از ناحیه آسمان باشد قرار داد و بر این بنیان گفت بر مخرج قرار دادن مانع از آفتاب، باران، برف، تگرگ و مانند آن در هنگام سیر جایز نیست و علی‌ای حال نمی‌توان تحفظ از گرما، سرما و باد و طوفان را بر مخرج حرام دانست.

همچنین با قطع نظر از تمامی اشکالات گذشته و بر فرض پذیرش این نظر، باید گفت بر اساس روایاتی که گذشت حرمت تحفظ از پدیده‌های جوی، به موارد طبیعی آن اختصاص دارد و تحفظ از باد تولیدشده در اثر سرعت وسیله نقلیه دلیل قابل‌پذیرشی ندارد. از این رو حکم به پرهیز از باد حاصل از حرکت وسیله نقلیه که در پاسخ به سؤال برخی از مقلدین بیان شده، مورد تأمل است (به‌عنوان نمونه ر.ک: خونی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۲۹).

با آنچه بیان شد پاسخ از استدلال اخیر در این مسئله نیز روشن گردید. زیرا چنانکه گذشت به آسانی نمی‌توان از آفتاب و باران الغای خصوصیت نمود و غایت نهی را در معرض قرار گرفتن نسبت به حوادث جوی مانند باران، سرما، طوفان و مانند آن قرار داد چه رسد به این که بخواهیم جامعی بین غایات قرار دهیم؛ و با فرض پذیرش الغای خصوصیت باید گفت غایت نهی در روایات، در معرض قرار گرفتن نسبت به هر پدیده جوی است که از جانب آسمان باشد. علاوه بر این که اگر چنین غایاتی مدّ نظر شارع بود باید مانند استظلال از تابش آفتاب در روایات متعدد بیان می‌شد و نیز احکام آن مورد سؤال راویان قرار می‌گرفت درحالی که در هیچ روایتی اثری از آن دیده نمی‌شود. از این رو به نظر می‌رسد نمی‌توان از آفتاب و باران در باب استظلال، الغای خصوصیت نمود و حرمت استظلال را به مصادیق دیگر از پدیده‌های جوی تسری داد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحثی که گذشت بیان شد برخی از فقها با استناد به روایات معتقد

شده‌اند حرمت استظلال برای مُحرم به تابش آفتاب اختصاص ندارد و مُحرم نباید در هنگام سیر از هیچ پدیدهٔ جوی خواه آفتاب یا باران یا طوفان یا گرما و سرما تستّر و تحفّظ داشته باشد. مستند فقها در این حکم، برداشتی است که از معنای لغوی این واژه داشته و آن را به مطلق تستّر و تحفّظ معنا نموده‌اند. درحالی که بیان شد:

اولاً: این واژه به معنای پوشش چیزی نسبت به چیز دیگر است و به پوشش بالای سر اطلاق می‌شود. بنابراین نمی‌توان از این واژه در مورد تحفّظ از باد و سرما و گرما استفاده نمود.

ثانیاً: چه بسا تستّر از آفتاب و باران که در روایات آمده موضوعیت داشته باشند و شارع در این زمینه تعبّد خاصی را از مکلفان خواستار باشد. همچنین با فرض پذیرش امکان الغای خصوصیت از آفتاب و باران، چنانچه بخواهیم ملاکی از روایات برداشت کنیم که بر اساس آن بتوان در مصادیق استظلال توسعه داد، باید ملاک در حرمت استظلال را تحفّظ از هر پدیدهٔ جوی که از ناحیهٔ آسمان باشد قرار داد و چنین گفت که غایت نهی در روایات، در معرض قرار گرفتن نسبت به هر پدیدهٔ جوی است که از جانب آسمان باشد. اما بیان شد اگر چنین غایاتی مدّ نظر شارع بود باید مانند استظلال از تابش آفتاب در روایات متعدد بیان می‌شد و نیز احکام آن مورد سؤال راویان قرار می‌گرفت در حالی که در هیچ روایتی اثری از آن دیده نمی‌شود. همچنین با قطع نظر از تمامی اشکالات گذشته و بر فرض پذیرش این نظر، باید گفت بر اساس روایاتی که گذشت حرمت تحفّظ از پدیده‌های جوی، به موارد طبیعی آن اختصاص دارد و تحفّظ از باد تولیدشده در اثر سرعت وسیلهٔ نقلیه دلیل قابل پذیرشی ندارد. از این رو به نظر می‌رسد نمی‌توان از آفتاب و باران در باب استظلال، الغای خصوصیت نمود و حرمت استظلال را به مصادیق دیگر از پدیده‌های جوی تسری داد.

فهرست منابع

۱. ابن‌ادریس حلّی، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. تحقیق هارون، عبدالسلام محمد.

- قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
٣. ابن منظور، محمد بن مكرم. (١٤١٤ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع- دار صادر.
٤. بحرانی، یوسف بن احمد. (١٤٠٥ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٥. تبریزی، جواد بن علی. (١٤١٥ق). مناسک الحج. قم: دارالصدیقة الشهيدة (س).
٦. تبریزی، جواد بن علی. (١٤٢٣ق). التهذیب فی مناسک العمرة والحج. قم: دارالتفسیر.
٧. حر عاملی، محمد بن حسن. (١٤٠٩ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسة آل البيت (ع).
٨. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (١٤١٢ق). منتهی المطلب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
٩. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (١٤١٣ق). مختلف الشیعه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
١٠. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (بی تا). خلاصة الأقوال. قم: مؤسسه نشر الفقاهه.
١١. خمینی، سید روح الله موسوی. (بی تا). تحریر الوسيلة. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
١٢. خوئی، سید ابوالقاسم. (١٤١٠ق). المعتمد فی شرح المناسک. قم: منشورات دارالعلم - لطفی.
١٣. خوئی، سید ابوالقاسم. (١٤١١ق). مناسک الحج. قم: چاپخانه مهر.
١٤. خوئی، سید ابوالقاسم. (١٤١٦ق). صراط النجاة (المحشى للخوئی). قم: مکتب نشر المنتخب.
١٥. خوئی، سید ابوالقاسم. (بی تا). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال. بی جا: بی نا.
١٦. سبحانی، جعفر. (١٤٢٧ق). الحج فی الشریعة الإسلامية الغراء. قم: انتشارات مؤسسه امام صادق (ع).
١٧. سبحانی، جعفر. (١٤٢٨ق). مناسک الحج و أحكام العمرة. قم: انتشارات مؤسسه امام صادق (ع).
١٨. صافی، لطف الله. (١٤٢٣ق). فقه الحج. قم: مؤسسه حضرت معصومه (س).
١٩. طباطبائی قمی، سید تقی. (١٤٢٥ق). مصباح الناسک فی شرح المناسک. قم: انتشارات محلاتی.
٢٠. طباطبائی کربلایی، علی بن محمد علی. (١٤١٨ق). ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل. قم: ایران: مؤسسه آل البيت (ع).
٢١. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (١٣٧٣ش). رجال الطوسی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
٢٢. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (١٣٨٧ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. تهران: المکتبة

المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.

٢٣. عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى. (١٤١٧ق). الدروس الشرعية فى فقه الإمامية. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٤. عاملى، شيخ حر، محمد بن حسن. (١٤٠٩ق). تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
٢٥. عاملى، محمد بن على موسى. (١٤١١ق). مدارك الأحكام فى شرح عبادات شرائع الإسلام. بيروت: مؤسسه آل البيت (ع).
٢٦. فاضل هندی، محمد بن حسن. (١٤١٦ق). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٧. فياض كابلي، محمد اسحاق. (بى تا). تعاليق مبسوطه على العروة الوثقى. قم: انتشارات محلاتي.
٢٨. كاشف الغطاء، احمد بن على. (١٤٢٣ق). سفينة النجاة و مشكاة الهدى. نجف: مؤسسه كاشف الغطاء.
٢٩. كلينى، محمد بن يعقوب. (١٤٠٧ق). الكافي. تهران: دارالكتب الإسلامية.
٣٠. گلپايگانی، محمد رضا. (١٤٠٣ق). كتاب الحج. قم: دارالقرآن الكريم.
٣١. محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن. (١٢٤٧ق). ذخيرة المعاد فى شرح الإرشاد. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
٣٢. مدنى كاشانى، حاج آقا رضا. (١٤١١ق). براهين الحج للفقهاء و الحجج. كاشان: مدرسه علميه آية الله مدنى كاشانى.
٣٣. مظاهرى، منصور. (١٣٩٧ش). مناسك حج مطابق با فتاوى امام خمينى و مراجع تقليد. قم: نشر مشعر.
٣٤. مقدس اردبيلى، احمد بن محمد. (١٤٠٣ق). مجمع الفائدة و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٣٥. نجاشى، احمد بن على. (١٤٠٧ق). رجال النجاشى. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٣٦. نراقى، احمد بن محمد مهدى. (١٤١٥ق). مستند الشيعة فى أحكام الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
٣٧. يزدى، سيد محمد كاظم. (١٤٢٨ق). عروة الوثقى مع تعليقات فاضل. قم: مركز فقهى ائمه اطهار (ع).

